



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# رافت در غیبت

لطف الله صافی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# رافت در غیبت

نویسنده:

آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی گلپایگانی (دام  
ظله )

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... رافت در غیبت
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... فصل اول رافت در غیبت
۱۰	..... فصل دوم ظهور رافت
۱۵	..... فصل سوم فرجام کار
۱۹	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## رافت در غیبت

### مشخصات کتاب

نویسنده: لطف الله صافی

ناشر: لطف الله صافی

### فصل اول رافت در غیبت

فصل اول رافت در غیبت

اهداء به بهار دلها و صفای لحظه ها .

..

به قلب طپنده و طپش قلبها .

..

به نور دیدگان و طراوت روزگاران .

..

به آرزوی چشم انتظاران .

..

به امام مهدی صاحب العصر والزمان .

..

و تقدیم به همه دیده براهان و منتظرانش این قلیل .

..

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین .

اللهم کن لولیک الحجۃ بن الحسن المهدی صلواتک علیہ و علی آبائه فی هذه الساعه و فی کل ساعه و لیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا  
و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا .

اللهم هب لنا رافته و رحمته و دعائه و خیره ما ننال به سعۃ من رحمتک و فوزا عندک و اقبل الینا بوجهک الکریم برحمتک یا ارحم  
الراحمین .

آغاز سخن چندی قبل بود که با دل سوخته ای همراه شدم و او زبان به حکایت گشود و از غربت شمع گفت ، و از خلوتش  
و تنهاییش ، از قطرات اشک به دامن چکیده اش ، و از سوز دل و شعله سینه اش ، و از پروانه های گرداگرد او سخنها گفت ، و  
از خاکستر عاشقانی که در آرزویش سوخته اند قصه ها خواند .

از خفاشان ناله ها داشت که به ستیز شمع می روند و پروانگان عاشق را می درند، و از زاغها شکوه ها کرد که با گلستان چهامی  
کنند و بر زیبا گل نرگس چه دشمنیها روا می دارند و نوای بلبلان را با فریاد زشتشان درهم می شکنند، و با سیاهی قلبشان پرده بر  
رخ گل می کشند، تا شاید قمریان ترانه ها از یاد برند و بلبلان شور و نوا را و...

با خود گفتم : سر به صحراها می گذارم و دشتها را می پیمایم و حکایت غربت گل را به همه می گویم و ناله مظلومیش را به  
همه جا می رسانم و دیوانگان عشقش را به نصرتش می خوانم ، اما صد افسوس که پایم رنجور و سینه ام تنگ و ناله ام لرزانست و

این دل شب گرگ صحرا فراوان و .

..

اگر به انتظار صبح می نشستم غربت گل آزارم می داد و سوزسینه بلبلان جانم را می سوخت ، این بود که متحیر شدم چکنم و چگونه عقده از دل بکشایم و پرده از رخ یار بگیرم و رقیبانش را رسوا کنم و دوستانش را برق امید بخشم و شمیمی ازدوست بر منتظران ارمغان آورم .

در این غوغا بودم که عزیزی شعله ای در تاریکی حیرتم افروخت و دلم را بر کلام نغزش دوخت و از پی آن دست بر قلم بردم تا آنچه از زیبا گل نرگس شنیده ام به تصویر کشم .

..واینگونه سخن آغاز گردید که : بسیاری شاید این سخن را شنیده اند و از ترس بر جان خود لرزیده اند که دوازدهمین امام - ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - آن زمان که ظهور می کند بیشتر مردم دنیا را می کشد و جوی خون به راه می اندازد و از کشته ها پشته ها می سازد و نفس را درسینه ها قطع می کند و قیام او برای عذاب و عقوبت مردم است و...

هزاران حرف دیگر که حجابی بر حجابهای او می افزاید و سدی افزون بر آنچه که هست بر روی مردمان می کشد تا هرگز نور جمالش را نبینند و به فیض ظهورش نرسند و او بیش از پیش در غربت خود بماند و از فراق دوستان بنالد، و آنچه از همه بیشتر قلب محبانش را می آزارد آنکه این سخنان از کسانی به گوش می رسد که دعوی ارادت و محبت به او می کنند و باین همه دام بر کبوترانش می گسترند و ریسمان به پای آنان می بندند تا هرگز گرد بام او نپرند و نامش را بر زبان نبرند.

بدین جهت به پیشنهاد یکی از سروران تصمیم گرفتم تا به جمع آوری بعضی روایات و اخبار پیرامون رفت و عطوفت آن مهربان امام پردازم ، شاید بتوانم قطره ای از آن چشمه سار محبت را پیمانه کنم و موجی از آن خروشان رفت را جاری سازم ، بدان امید که تشنه گان معرفتش قدری سیراب شوند و شیفتگان طلعتش واله و شیدا.

و آنانکه ترسان از قهر اویند دل به عفوش بندند و مهر لب بشکنند و زبان به نام دلکش او باز کنند تا حلاوت یادش جانشان را زنده کند و مرغ روحشان را پرواز دهد شاید بر بام خانه اش بنشینند و از خوان قربش دانه ها برچینند.

و سرانجام این صفحات جمع آوری گردید و اکنون به محضر دوستانش تقدیم می گردد، امید که در نظر کریمانه آن ولی اعظم مقبول افتد که این بضاعت مزجاتی است که به محضر آن عزیز آورده ایم و کمتر از بال ملخست که به ساحت اقدسش عرضه می داریم و آستان ملک پاسبانش بوسیده و .

..می گوئیم : (یا ایها العزیز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة مزجاء فاوف لناالکیل و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین ) .

ای سلیمان موری آمد بر درت ---- رد مکن او را به جان مادرت ای که صدها چون سلیمان مور تست ---- چون کلیم الله بسی در طور تست تربت پاک کریمه اهل البیت (ع) قم ، محمدحسن شاه آبادی فصل اول رفت در غیبت کویر غیبت چنین باید گفت که روزگار غیبت ، دوران ظلمت و محرومیت است ، بر تمام آنهایی که امام (ع) از آنان غائب است و یا آنکه بهتر بگوئیم اینان از او مهجورند .

اگر نیکو بنگریم و تا حدی بیندیشیم و عظمت نعمت حضور امام (ع) را تا حدی بیابیم ، خواهیم فهمید که دوران غیبت چه دوران رنجبار و طاقت فرسائیست و حضرت امام رضا(ع) از آن دوران و مؤمنان در آن زمان چنین یاد می فرمایند: و کم من مؤمن متاسف حیران حزین عند فقد الماء المعین .

((۱)) چه بسیار مؤمن دل سوخته ای که در فقدان آب گوارا در حیرت و حزن به سر می برد.

آن حضرت چه زیبا محرومیت زمان مستوری را به تصویر می کشد که مؤمنان چون تشنگانی که از جرعه ای آب گوارا منع می شوند در پنجه حرمان بسر خواهند برد، آن آبی که برای همگان است و ضروریترین ماده حیات ، و به راستی امام زمان ارواحنا فداه



چنین است و دوران غیبت نیز چنان .

پس چه خواهد کرد پروانه در غیبت شمع و چه سازد آن پرسوخته در فراق شعله عشق ، و چگونه صحبت گل را به فراموشی سپارد و بلبل چگونه شور سر دهد و آن گمشده تاریک سرای غیبت ، راه از که جوید و در کدامین منزل آرام گیرد .  
آنانکه در محضر نور نشسته اند حال و هوای تاریکی را می دانند و آنها که لذت حضور را چشیده اند طعم تلخ هجران را درک می کنند .

کوتاه سخن غیبت امام زمان (ع) دوری از تمام خوبیهاست ، و در پرده بودن تمام روشنائیهاست ، آری ، شب سرد غیبت هنگامه به چاه افتادنهاست ، شب سرد غیبت گاه لرزیدنها و ترسیدنهاست ، شب سرد غیبت بحبوحه گریستن و نالیدنهاست ، و شب سرد غیبت وقت بی خوابی و بی آسایشی است ، شب سرد غیبت زمان رنجوری پروانه هاست ، پروانه گانی که در جستجوی نورند نه چون خفاشان کور .

..

شب سرد غیبت را نمی توان معنی کرد مگر در پگاه ظهور، آنگاه که به تماشای سپیده دم می نشینیم ، خواهیم گفت که دیشب چه بود و چگونه گذشت .

عصر غیبت عصر محرومیت از چشمه گوارای ولایت است و روزگار غیبت دوران پرده نشینی یار و محجوبی جمال و کمال اوست ، و باید گفت که روزگار غیبت امام عصر(ع) هنگامه دوری از چشمه سار معرفتش و زلال هدایتش ، دوران مستوری او با تمام صفات زیباییش ، همان گونه که خود در پرده غیبت نشسته است و مردمان محروم از دیدار اویند، صفات حسناش نیز محجوبند، و هر آنچه از تشعشع خلق و خوی او دیده می شود از پس ابر سیاهی است که بر چهره آفتاب افتاده و تابشی است از میان روزنه های پرده هجران و چه زیباست آن لحظه که این پرده برافتد و (واشرق الارض بنور ربها) ((۲)) معنی شود.

حال که گفتیم در عصر غیبت همانگونه که صورت زیبای امام (ع) مستور است سیرت والای او نیز محجوب ، مگر شعاعی از آن مجلای انوار الهی که از روزنه ای می تابد، اکنون به تماشای قطره ای از رافت بیکران امام عصر ارواحنا فداه در عصر غیبت می نشینیم شاید بتوان تصویری از ظهور مهرش را بر پرده دل کشید.

غمخوار شیعه متأسفانه از آنجا که امام زمان ارواحنا فداه از دیده ها پنهانند و در نتیجه برای همه امکان دسترسی به آن حضرت ممکن نمی باشد مگر دوستان خاص و خالص که از فیض ملاقات بهره مند می شوند و از مصاحبت با او لذت می برند ولی آنان نیز مصداق این سخند: آنکه را اسرار حق آموختند ----- قفل کردند و دهانش دوختند و اگر آنها نیز با حضرتش بنشینند اظهار نمی کنند و اگر چیزی از او بشنوند فاش نمی سازند و اگر جز این بود به خوان قربش ضیافت نمی شدند...

و آن گونه تشرفات و آستان بوسیها که به ما رسیده است برای اتمام حجت بر غافلان و تحکیم رشته محبت در دل دوستان اوست که مایوس نشوند و دست از طلب نکشند و سرمشق جان کنند این غزل را: دست از طلب ندارم تا کام من برآید ----- یا تن رسد به جانان یا جان زتن برآید بگشای تربتم را بعد از وفات و بنگر ----- کز آتش درونم دود از کفن برآید اما به هر حال آنچه دیده شده است نیز شعاعی است از آفتاب جمالش و هر آنچه را نقل کرده اند مصرعی است از دیوان فضائلش و صد افسوس که بسیاری از اخبار و آثار ما نیز بدست دشمنان نابود گردیده و یا از ترس نااهلان با سینه ها به خاک رفته است .

..

اکنون به جستجوی اخبار و آثار می پردازیم تا چراغی بیابیم برای رهجویان .

شیخ طوسی (ره) در کتاب [الغیبة] نقل می کند که ابن ابی غانم قزوینی با عده ای از شیعیان در این باره که حضرت امام عسکری (ع) آیا فرزندی از خود باقی گذارده تا جانشین او باشد مشاجره کردند و او مدعی شد که آن حضرت از دنیا رفت و

فرزندى از خود به جاي نگذاشت ، شيعيان نيز عريضه اى به ملجا و ماواى خود نوشتند و عرض حال با صاحب و آقاى خود نمودند و از آن ساحت اقدس ارواحنا فداه نيز جواب چنين صادر گرديد: انه انهى الى ارياب جماعة منكم فى الدين ومادخلهم من الشك والحيرة فى ولاة امرهم فغمنا ذلك لكم لا لنا وساءنا فيكم لا فينا، لان الله معنا فلا فاقة بنا الى غيره .

((۳)) همانا رسیده است بر ما اینکه عده اى از شما دردين خود به تزلزل افتاده و شك و حيرت نسبت به اولى الامرشان به آنها هجوم آورده اين مطلب ما را مغموم ساخته ، البته براى شما نه براى خودوناراحت شده ايم به خاطر شما نه به خاطر خود، چون خدا با ماست و احتياجى به غير او نداريم .

امام زمان (ع) از تزلزل و تحير دوستانش غمناک مى شود و دريائى رفت او چون دوستانش را به ورطه بلا- مى نگرديم خروشد، و نه تنها حزن و اندوه خود را اظهار مى کند بلکه از شدت محبت خود به آنها اين چنين پرده بر مى دارد که : غم و اندوه ما به خاطر شماست و از اينکه عده اى در اولوالامر خود شك کرده اند و به ضلالت کشيده شده اند محزونيم نه از براى خود، چون خدا با ماست و حاجتى به غير او نداريم تا از جدا شدن جماعتى مغموم شويم .

پدر دلسوز اگر به کلام آن حضرت باز گرديم مى بينيم که آن امام رئوف از شك و تزلزل دوستانش که همه ناشى از تحيرى است که از غيبت آن عزيز حاصل شده ، رنج مى برد، چرا که به فرموده حضرت على بن موسى الرضا(ع): الامام ، الانيس الرفيق ، والوالد الشفيق ، والاخ الشقيق ، والام البرة بالولد الصغير، مفرع العباد فى الداهية الناد. ((۴)) امام انيسى است رفيق ، و پدرى است دلسوز، امام آن برادرى است که چون دو نيمه خرما بهم متصل باشند، و امام آن مادر مهربانى است که به فرزند خردش محبت مى کند، و امام پناه مردم در واقعه هولناک است .

در کلام آن حضرت بايد به نيکى تدبر نمود و آن جام لبريز از زلال وحى را با آرامى نوش جان نمود که کلام امام را فهمى از امام بايد.

کنون در محضر انوار رضوى زانوى ادب بزيم و نظاره کنيم که چه زيبا آن حضرت پرده از رفت امام بر مى گيرد و آن برتر از معنا را به پيمانه الفاظ کيل مى کند و جانها را به تماشامى نشاند، نخست او را به صاحب انسى ، رفيق مانند مى کند که در انسش کوتاهى نمى ورزد و رفاقت بى ريباش مالامال از محبت است ، ديگر باره اين مقام را با تعبيرى عميقتر به تصوير مى کشد و رافتش را به پدرى دلسوز تشبيه مى کند که از هيچ هدايت و ارشاد دريغ نمى ورزد که قطعاً عطوفت و لطف پدر از محبت و انس رفاقت برتر است .

اما لطف امام ارواحنا فداه فوق اينهاست ، چون برادرى است که همراه انسان و توامان با او به دنيا آمده است آنگونه که يکى بوده اند مثل دانه خرما و سپس دو نيم گشته اند، گويى انسان راجزئى از خود مى داند و اينسان مهر مى ورزد، محبانش راجداى از خود نمى بيند و رعيتش را اجزای خود مى انگارد.

خروش محبت مى توان وحدت و يگانگى حضرت بقيه الله ارواحنا فداه بادوستانش را، از ناله هاى سوزان سحرش به خوبى دريافت که سيد اجل قدوة العارفين ابن طاووس (ره) مى گويد: سحر گاهى در سرداب مقدس آن حضرت در سامره نوای آن عزيز را شنيدم که مى ناليد و مى فرمود: اللهم ان شيعتنا خلقت من شعاع انوارنا، وبقية طينتنا. ((۵)) پرورد گارا، شيعيان ما از پرتو انوار ما خلق شده اند و از زياده گل ما سرشته گرديدند.

مى بينيد که چگونه رافتش مى خروشد و چشمه مهرش مى جوشد و دوستان خود را از خود مى داند و به آن تصريح مى کند که آنها از انوار ما خلق شده اند و از اضافه گل ما آنها سرشته گرديده اند و از اينجاست که هر گاه مصيبتى بردوستانش وارد مى شود قلب او متاثر مى گردد و از حزن آنان محزون مى شود و به درد آنها دردمند، که اين مطلب را ابى ربيع شامى از امام صادق (ع) چنين نقل مى کند: قلت لابي عبد الله (ع): بلغنى عن عمرو بن اسحاق حديث فقال: اعرضه ، قال : دخل على

امیرالمؤمنین (ع) فرای صفره فی وجهه , قال : ماهذه الصفره ؟ فذكر وجعا به .

فقال له علی (ع) : انا لنفرح لفرحکم , ونحزن لحزنکم , ونمرض لمرضکم , وندعو لکم , فتدعون فنؤمن .

قال عمرو: قد عرفت ما قلت , ولكن كيف ندعوفتؤمن ؟ فقال : انا سواء علينا البادی والحاضر .

فقال ابو عبدالله (ع) : صدق عمرو . ((۶)) به امام صادق (ع) عرض کردم حدیثی از عمرو بن اسحاق به من رسیده است , فرمود: بیان کن .

گفتم : عمرو گوید: وارد بر امیر مؤمنان (ع) شدم و حضرت در صورت من زردی مشاهده کرد, فرمود: این زردی چیست ؟ عرض کردم : به مرضی مبتلا بودم .

فرمود: ما با شادی شما شاد می شویم , و از غم شما اندوهناکیم , و از مرضی شما مریض می گردیم , و برای شما دعا می کنیم پس شما دعا می کنید و ما آمین می گوئیم .

عمرو گوید: گفتم : آنچه فرمودی فهمیدم , اما چگونه بر دعای ما آمین می گوئید؟ فرمود: برای ما مسافت دور و نزدیک فرقی ندارد .

امام صادق (ع) فرمودند: راست گفت عمرو .

و از طرف دیگر هم وجود مقدس حضرت مهدی ارواحنا فداه نیز هر گاه محزون می شوند و قلب مبارکش به درد می آید, گوئی شیعیانش را مصیبتی وارد شده و همه سر در زیر بال غصه می برند, همان گونه که امام صادق (ع) از پدران گرامیش (ع) از امیر مؤمنان (ع) نقل می فرمایند: .

..

ان الله تبارك وتعالى اطلع الى الارض فاخترنا واختر لنا شيعه ينصروننا ويفرحون لفرحنا, ويحزنون لحزننا, ويبدلون اموالهم وانفسهم فينا.... ((۷)) خداوند تبارك و تعالی توجه بر زمین فرمود ما را اختیار کرد و برای ما شیعیانی برگزید که ما را یاری می کنند و با شادی ما شاد می شوند و از حزن ما محزون می گردند و در راه ما مال و جان خود را بذل می نمایند .

اگر بر فرض توجه شیعیان به آن عزیز ناشی از احتیاج و نیازی است که به او دارند پس این همه بذل عنایت بر دوستان و شیعیان از طرف آن ناحیه مقدس به چه جهت و منظوری می باشد و آیا آن امام که قطب عالم هستی و محور جهان آفرینش است احتیاجی بر غیر ذات حق دارد؟ که خود نیز فرمودند: لان الله معنا فلا حاجه بنا الى غيره .

((۸)) بدرستی که خداوند با ماست پس حاجتی بر غیر او نداریم .

پس این ارتباط و دل بستگی آن حضرت به شیعیانش از کدامین چشمه سار نشات گرفته و نشان از چیست ؟ جز آنکه جوشش رافتی است که سینه پر مهرش آن را انباشته کرده و خروش محبتی است که قلب از هستی برترش مالا مال اوست .

## فصل دوم ظهور رافت

### فصل دوم ظهور رافت

ان من تكفل بايتام آل محمد المنقطعين عن امامهم , المتحيرين في جهلهم , الاسراء في ایدی الشياطين وفي ایدی النواصب من اعدائنا, فاستنقذهم منهم , واخرجهم من حيرتهم , وقهر الشياطين برد وساوسهم , وقهر الناصبين بحجج ربهم و دليل ائمتهم ليفضلون عند الله تعالى على العابدين بافضل المواقع , باكثر من فضل السماء على الارض والعرش و الكرسي والحجب على السماء وفضلهم على هذا العابد كفضل القمر ليلة البدر على اخفى كوكب في السماء . ((۱۸)) همانا آنکه یتیمان آل محمد (ع) را سرپرستی کند, آنهایی که از امامشان دورند و در جهلشان متحیرند و در دستان شیاطین و دشمنان ناصبی ما اسیر شده اند, پس آنها

را از چنگال دشمنان نجات بخشند و از حیرت خارجشان کنند و از سلطه شیاطین با رد نمودن وسوسه هایشان بیرون آورند و از یوغ نواصب با برهانهای پروردگار و دلیلهای امامان نجاتشان دهند، نزد خداوند فضلشان برتراست از مردان عبادت پیشه در بالاترین درجات، مثل برتری آسمان بر زمین، و عرش و کرسی و حجب بر آسمان، و فضل اینان بر عابد مثل فضیلت ماه در شب چهارده بر کم نورترین ستاره آسمان است.

حضرت امام کاظم (ع) می فرمایند: فقیه واحد ینقذ یتیمان من ایتامنا، المنقطعین عناوین مشاهدهتنا بتعلیم ما هو محتاج الیه اشد علی ابلیس من الف عابد. ((۱۹)) یک دین شناس که یتیمی از ایتام ما را دستگیری کند، آنهایی که از ما دورند و از مشاهده ما محروم، و به او تعلیم کند آنچه را به آن محتاج است، برابلیس از هزار مرد عبادت سختتر است.

این چند شاخه گل از بوستان رافت امام (ع) نسبت به عزیزان خود بود که در عصر غیبت چگونه نسبت به فرزندانمان که از او جدا افتاده اند توصیه و سفارش می فرماید، اما آنچه نقطه عطفی است بر این مبحث، فقره ای از دعای عبرات است که در توسل به وجود مقدس آن امام عزیزتر از جان و آن ولی مطلق دوران ارواحنا لثراب مقدمه الفداء چنین عرضه می دارند: واتقرب الیک بالحفیظ العلیم الذی جعلته علی خزائن الارض، والاب الرحیم الذی ملکته ازمة البسط والقبض.

..

الذی یتظهر فی بیت الله ذی الاستار العالم المطهر محمد بن الحسن.

((۲۰)) (پروردگارا، تقرب می جویم به تو به وسیله آن حفظ کننده دانا، آن کسی که بر گنجهای زمین او رامسلط کرده ای، و آن پدر مهربانی که زمام امور را به دستش سپردی.

..

آن ابرمردی که در خانه خدا که پرده ها در آن آویخته است، ظاهر می شود عالم پاکیزه محمد بن الحسن.

و به حق، او پدری دلسوز و مهربان است که سحاب رحمتش دلهای خسته مشتاقان را سیراب می کند و چشمه های صفا و جوانمردی از انگشتانش می جوشد، و این چنین است که شیفتگانش هر جمعه ناله ها می کنند و ضجه ها می کشند و التماسها می کنند و لطف خاص پدر مهربان خود را می طلبند که: اللهم.

..

هب لنا رافته ورحمته ودعائه وخیره ما ننال به سعة من رحمتک وفوزا عندک.

((۲۱)) بار پروردگارا.

..

بر ما رافت و رحمت و دعا و نیکی او را (حضرت مهدی ارواحنا فداه) عنایت فرما، به آن مقدار که بزرگی رحمت را نائل شویم و در نزد توفائز و رستگار گردیم.

اینان می دانند که برای رسیدن به رحمت عظمای الهی که مختص خواص از اولیاءالله است، رافت آن بزرگوار لازم است، و برای سر بلندی در پیشگاه اقدس حضرت حق دعای خیر آن پدر دلسوز را باید، زیرا هر که را نیکی و احسان آن عزیز شامل شد به رحمت کبری نائل گشته و آنکه را دعای خیر او بدرقه راه شد به مقام (ورضوان من الله اءکبر) ((۲۲)) واصل گردیده است.

و یتیی دیگر از دیوان رافتش را چنین سروده اند: قال رسول الله (ص):

..

یا فاطمة، والذی بعثنی بالحق ان منهما مهدی هذه الامة.

..

وهو اعظم حسابوا کرم منصبا وارحم بالرعیه واعدلهم بالسویه .

((۲۳)) رسول گرامی (ص) فرمودند: ...

ای فاطمه، قسم به آنکه مرا به حق برگزید از این دو (امام حسن و امام حسین (ع)) مهدی این امت به وجود می‌آید و او از همه حبش بزرگتر و مقامش گرامی تر است و او از همه بر مردم مهربانتر و از همه عدالتش بیشتر می‌باشد.

اینجای سخن است که دل‌های سخت بی‌اختیار کرنش می‌کنند، و گردن‌های برافراشته خم می‌گردد، قلب‌های سرد و بیجان به طپش می‌آید، و در سینه‌های تنگ و تاریک ناامیدان شعاع امید پرتو می‌افکند، و اینجاست که انسان گرمی محبت او را لمس می‌کند و به او دل می‌بندد و به کمالش عشق می‌ورزد و سخن کوردلان بی‌مغز قلبش را آزرده می‌کند که بر آفتاب مهرش نقابی از خون می‌زنند و بر سیمای خندان لطفش پرده نفرت و خشم می‌کشند.

اکنون ای همراه همدل، آنچه شنیده‌ای از قتل و غارتها و از آتش و قهرها، از خشم و نفرت و از ذلت و از اسارت و دیگرها .

..

همه پرده بغض و کینه ایست که خفاشان نورستیز بر جمال آفتاب می‌کشند و سیرت کریه‌گرگان میش‌گونه ایست که زشتی درونشان را چنین اظهار می‌کنند و عاقبت شومی است که خود به انتظارش نشسته اند، نه روز پایان انتظارها و گریه‌ها، و نه وقت شادیا و هلهله‌ها، و نه هنگام حلقه زدن بر گردعزیزی از سفر آمده و .

..

آن زمان است که رافت غائب به صحنه ظهور می‌آید و آنچه تاکنون مجال بروز و ظهور نداشته خودنمائی خواهد کرد و چنین باید گفت که: ظهور زیباست، چون ظهور زیبائهاست .

حال جای این سخن باقی است که آیا وجدان انسانهای بیدار این همه رافت و محبت را به دیده اغماض می‌نگرد؟ و آیادوستان او فطرت خویش را زیر پا می‌نهند و در صدد جبران اینهمه احسان بر نمی‌آیند؟ و اگر او بواقع یک انسان عادی بود نباید لطف او را جواب داد؟ حال که امام و ولی نعمت است!...

پس باید در صدد شکر برآمد اگر چه همگان از شکرش عاجزند لیک آنچه قلب انتظار کشیده اش را خشنود می‌سازد و مرهمی بر جگر مجروح اوست و شاید بتوان با آن، دل رنجیده اش را شاد نمود، دعا و درخواست ظهور آن غریب و نجاتش از زندان غیبت است و بعید به نظر نمی‌رسد که این وظیفه رنگ و جوب بخود گرفته باشد چنانچه بعضی روایات به آن اشاره می‌نمایند.

به عنوان نمونه سخنی را که امام مجتبی (ع) به یکی از بزرگان در عالم خواب یا مکاشفه فرموده اند نقل می‌کنیم با توجه به این نکته که دیدن ائمه هدی (ع) در خواب یا مکاشفه از رؤیاهای صادقانه می‌باشد.

[حضرت امام حسن مجتبی (ع) در عالم خواب یا مکاشفه به مرحوم آیه الله میرزا محمد باقر فقیه ایمانی فرمودند: در منبرهابه مردم بگوئید و به آنان دستور دهید توبه نموده و درباره تعجیل ظهور (حضرت) حجت (ع) دعا نمایند .

دعا برای آمدن آن حضرت مانند نماز میت نیست که واجب کفائی باشد و بانجام دادن عده ای از دیگران ساقط شود، بلکه مانند نمازهای پنجگانه است که بر هر فرد بالغ واجب است برای ظهور امام زمان (ع) دعا کنند. ((۲۴)) ما نیز سخن دل‌چین با حضرت می‌گوئیم: گل همیشه بهارم، خدا کند که بیائی فصل دوم ظهور رافت رافت بر تخت ظهور اگر آنها که درک کاملی از روایات ندارند نیز در این اقیانوس شناور شوند و اخبار و احادیث دوران ظهور [نور علی نور] را تاملی نمایند، خواهند دید آنکه در پرده غیبت بود و پدر مهربانش می‌خواندند و دستان پرمهرش به غل هجران بسته، و طیب دلسوزش می‌نامیدند و به صحرای غربت حیران، مادر عشقش می‌گفتند، اکنون که به تخت ظهور تکیه کرده چه باید نامیدش؟ و به چه خواندش و چگونه توصیفش نمود و به که مانندش کرد؟...

فقط آن زمانه را آنها که می بینند باید به تعریف بنشینند که از هرچه بگویی برتر است و آن روزی است که زمین جلوه گاه انوار پروردگارش می شود و نور افشان مهر او می گردد، آنسان که هم آغوشان حور و مسندنشینان قصور، زاهدانه دست رد به سینه بهشت می زنند و حسرت بازگشت به دنیا را می خورند و اینجاست که زمین و زمینیان رشک حور و غلمان می گردند و عاشقان سر از گریبان خاک بیرون می کنند و مست تاجگذاری را فت می شوند و زندگان فریاد می کنند رفته گان را که : برخیزید و آرزو می کنند که ای کاش آنها زنده شوند ((۲۵)) و آن زمان مؤمنان به آرزوی دیرینه خویش می رسند که می گفتند: متی ترانا ونراک وقد نشرت لواء النصر تری ، اترانانحف بک و انت تام الملا. ((۲۶)) کی می رسد آن زمان که تو را نظاره کنیم و تو ما را بنگری در حالی که پرچم نصرت برافراشته شده ، آیا می شود که تو ما را بنگری در حالی که بر گرد تو حلقه زده ، تو را در میان خود گرفته باشیم و تو امام همه باشی .

حضرت پیامبر اکرم ( ص ) نیز این صحنه را چنین تصویر می فرمایند: تاوی الیه امته کما تاوی النحل الی یعسوبها، یملالارض عدلا کما ملئت جورا حتی یکون الناس علی مثل امرهم الاول ، لایوقظ نائما، ولا یهریق دما. ((۲۷)) مردم مانند زنبوران که به پادشاه خود پناهنده می شوند به سوی او (حضرت مهدی (ع)) پناه می برند و آن طور که زمین از ظلم و جور پر شده آن را مملو از عدل می کند تا جائی که مردم مانند اول شوند، خوابیده را بیدار نمی کند و خونی رانمی ریزد.

باید این شتاب مردم به سوی آن بزرگوار و آغوش گشودن آن حضرت به روی مردم را دلیل وسعت را فت آن وجود نازنین گرفت ، و حاکی از رویدادی دانست که نظیر آن از رسول گرامی ( ص ) در روز فتح مکه مکرمه دیده شد که از جانب آن حضرت منادی فریاد کرد: امروز روز عفو و بخشش است .

و این گرایش شدید مردم نسبت به آن حضرت را تحلیلی جزاین مطلب نمی توان نمود، زیرا توجه و اقبال مردم به آن حضرت در حالی است که آنان همان اکثریتی هستند که جامعه ظلم و جور را تشکیل داده و موجب فساد و تباهی زمین شده اند، و همه آنها به نوعی مستحق عقوبت یا قصاص و یا حدی از حد بودند، و در این صورت است که فقط خواص از دوستانش باقی می ماند و بقیه از شمشیر قهرش خواهند گریخت .

اما واقعیت مطلبی دیگر است ، بلکه هر آن کس که از ماء معین دور افتاده و مبتلا به گنداب جهلها و تزویرها شده و سوز عطش خود را به مردابهای نفاق و ضلالت تسکین داده و درد گرسنگی را به مردارها آرام نموده ، از دیو تنهائی به صحبت زاغ و زغن پناه آورده و آن قدر در قفس حرمان مانده که رنگ و بوی گل از یاد برده و از همه اینها خسته شده است و ...

اوست که قدر بهار را می داند و چون بهار دلها آید به استقبالش می رود و طراوت روزگاران را به نقد جان می خرد، او در دهجران کشیده و سردی خزان دیده از یوغ طاغوتیان سوزها داشته و از سیاهی زاغان خون دلها خورده ، به همین جهت به او پناهنده می شود همچون زنبوری که به سلطان خود پناه می برد.

اگر به قسمتی دیگر از این روایت دقت شود واضح می گردد که حضرت عمدتاً این بشر دور از هدایت را به راه مستقیم می کشاند و کمر به تربیتش بسته به آنجائی باز می گرداند که از آن جدا شده و به آن فطرت زلالی رجوعش می دهد که از هر گونه آلایش پاک بوده و او را به تماشای حقایق در آن آینه صاف وا می دارد.

عفو بیکران و باز نسیم جانبخش را فت آن والی والا- از این روایت استشمام می شود و دلیلی دیگر بر عفو بیکران در آن به چشم می خورد و پرده ای دیگر از مهر و محبتش در برابر دیده حق طلبان آویخته می گردد که آن کلامی است از حضرت امام محمد باقر (ع) که می فرمایند: وتجمع الیه اموال الدنیا کلها من بطن الارض و ظهرها فیقول الناس : تعالوا الی ما قطعتم فیہ الارحام ، وسفکتهم فیہ الدماء الحرام ، و رکبتم فیہ ما حرم الله عزوجل فیعطی شیئا لم یعطه احد کان قبله .

((۲۸)) تمام ثروت دنیا از آنچه در دل زمین یا بر روی آن است در نزد او (حضرت مهدی ارواحنا فداه) جمع می شود، پس ندا



می کند مردم را که : بیائید به سوی آنچه برای آن قطع رحم کردید و خون ناحق ریختید و حرام خداوند را مرتکب شدید، پس بخششی می کند که احدی قبل از او چنین نکرده باشد.

می بینید که امام (ع) چگونه خطاکاران را مورد خطاب قرار می دهد و نه تنها از تقصیرشان اغماض می فرماید بلکه از عطاء وافر خود محرومشان نمی کند و آن گونه که دیگران انجام نداده اند آن بزرگوار ارواحنا فداه بخشش می نماید.

پس مخاطبان این کلام رحیمانه همان اکثریتی هستند که جوامع را تشکیل داده و از روی نادانی و فقدان تربیت الهی آلوده به گناهان شده اند و اکنون به دامن مهر امام زمان خود افتاده و عذر می طلبند و عفو بیکران او نیز شامل حالشان شده است . البته شاید آنانی که حقوق مردم را تضییع کرده اند و یا خونی به ناحق ریخته اند و ولی دم را راضی ننموده اند مشمول این خطاب نباشند و در محکمه عدل آن حضرت ملزم به اداء دین خود گردند.

اما همانگونه که گفته شد زمان ظهور، عرصه بروز کامل رفت است بنابراین بعید به نظر نمی رسد که حضرت بقیه الله ارواحنا فداه از اینان نیز شفاعت کند و از گذشته آنان اغماض نماید و او را مشمول رفت عامش قرار دهد و حقوق مردم را خودپیردازد و دیه کشتگان را ادا نماید و دلهای آنها را به آنچه خشنود می شوند راضی کند تا از حق خود بگذرند و قاتل را حلال در دنیا و آخرت نمایند، البته این مطلب اگر چه استبعادی در آن دیده نمی شود بلکه می توان از بعضی روایات باب شفاعت برای آن استدلال نمود.

حضرت امام صادق (ع) می فرمایند: اذا كان يوم القيامة وكنا الله بحساب شيعتنا، فما كان لله سالنا الله ان يهبه لنا فهو لهم ، وما كان للادميين سالنا الله ان يعوضهم بدله فهو لهم ، وما كان لنا فهو لهم ، ثم قرا: (ان الينا اياهم ثم ان علينا حسابهم) ((۲۹)).

((۳۰)) زمانی که روز قیامت فرا رسد خداوند ما را مامور رسیدگی به حساب شیعیانمان می کند پس آن گناهمانی را که حق الله است ما از خداوند درخواست می کنیم تا به ما ببخشد پس این حقوق به شیعیان بخشیده می شود، اما حقوق مردم را از خدایم خواهیم تا به صاحبان حق عوض عطا کند، آنها نیز بخشیده خواهد شد و اما حقوق خود را نیز به آنها می بخشیم . سپس این آیه را تلاوت فرمود: بدرستی که بازگشت آنها به سوی ماست و برماست حساب آنان .

و در بعضی اخبار از روز ظهور حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه به روز قیامت صغری نیز تعبیر شده است . علاوه در مناجاتی که از آن یاد کردیم آن امام رئوف و آن پدر عطف چنین فرموده اند: اللهم ان شيعتنا خلقت من شعاع انوارنا، وبقية طينتنا، وقد فعلوا ذنوبا كثيرة، اتكالا على حبنوا ولايتنا، فان كانت ذنوبهم بينك وبينهم فاصفح عنهم ، فقد رضينا، وما كان منها فيما بينهم فاصلح بينهم ، وقاص بها عن خمسنا، وادخلهم الجنة، وزحزحهم عن النار، ولا تجمع بينهم وبين اعدائنا في سخطك .

((۳۱)) پروردگارا، شیعیان ما از پرتو انوار ما خلق شده اند و از زیاده گل ما سرشته گردیدند و گناهان زیادی را با تکیه بر محبت ما و ولایت ما انجام داده اند، پس اگر آن گناهمانی که بین تو و آنهاست از آنها چشم پوشی فرما چون ما راضی شدیم ، و آنچه در بین خود انجام داده اند نیز بین آنها اصلاح فرما و از خمس ماجبران نما و داخل بهشت ، و دور از جهنمشان بدار و بین آنها و دشمنان ما در عذاب و سخطت جمع مفرما.

در این مناجات حضرت امام زمان ارواحنا فداه طلب عفو و آمرزش برای دوستانش می کند و آنچه از حق مردم بر عهده دوستان است از خداوند می خواهد تا از خمس اموال که حق آن بزرگوار است جبران نماید و این روایت گرچه برای اثبات مدعی کافی است لکن حدیثی را می آوریم که حکایت از این واقعه در زمان ظهور آن حضرت دارد.

حضرت امام محمد باقر (ع) می فرمایند: ثم يقبل الى الكوفة فيكون منزله بها فلا يترك عبدالمسلم الا اشتراه واعتقه ولا غارما الا قضى دينه ، ولا مظلما لاحد من الناس الا ردها... .

. ((۳۲)) سپس (حضرت مهدی ارواحنا فداه) روی به کوفه می آورد و آنجاست منزل او، پس هر غلام مسلمانی را خریده و آزاد می کند و مقروضی نیست مگر آنکه قرضش را ادا می کند و مظلومه های مردم را رد می نماید.

## فصل سوم فرجام کار

### فصل سوم فرجام کار

مردی از موالی که نامش صباح است سفیانی رامی گیرد و او را به نزد مهدی (ع) می آورد و در حالی که آن حضرت نماز عشاء را می خواند بشارت دستگیری سفیانی را به حضرت می دهد و امام نیز نماز را زودتر پایان برده و خارج می شود، سفیانی در حالی که عمامه اش را برگردنش بسته و می کشند او را نزد امام می آورند و او رو به آن حضرت کرده عرض می کند: ای عموزاده ((۶۶)) بر من منت بگذار و دوباره به من کرم فرما، من نیز شمشیری خواهم بود برای تو و با دشمنانت جهاد خواهم کرد و مهدی در میان یارانش نشسته در حالی که از عذر او باحیاطر است.

سپس می فرماید: او را رها کنید، یاران مهدی به حضرتش عرض می کنند: ای فرزند رسول خدا، آیاه او زندگی دوباره کرم می کنی در حالی که او فرزندان رسول خدا را به شهادت رسانده است، ما را تحمل زنده دیدن او نیست.

پس امام زمان (ع) می فرماید: خودتان می دانید، با او هر چه می خواهید انجام دهید و این در حالی است که امام سفیانی را رها کرده و او نیز گریخته است پس صباح با جماعتی به سوی او می روند و او را در کنار سدره می یابند و صباح او را به زمین زده ذبحش می کند و سرش را نزد امام می آورد، وقتی شیعیان حضرت سر دشمن بقیه الله را می بینند فریاد به [الله اکبر، لا اله الا الله، الحمد لله] بلند کرده شکر الهی را بجا می آورند و سپس امام (ع) دستور می دهد تا بدن او را دفن کنند.

خود ناظرید که رحمت و واسع بقیه اللهی چگونه همه چیز و همه کس را شامل است و چگونه تقاضای دشمن خود را می پذیرد و رهایش می سازد و این در حالی است که او عداوتی چون ابوسفیان و خبثتی چون معاویه و جنایاتی چون یزید در حق آن حضرت روا داشته است و با اینکه اصحاب حضرت از زنده بودن او اظهار ناراحتی می کنند معذک خود دستور قتل او را نمی دهد و امر را به اصحاب واگذار می کند و بعد از آنکه او را کشتند آنچه را که جد سفیانی با پاره تن رسول خدا (ص) انجام داد و بدن پاره پاره او را برهنه بر خاک کربلا گذارد، در حق سفیانی روا نمی دارد و دستور می دهد تا بدن او را دفن نمایند و بدین جهت همیشه این زمزمه دوستان اوست که: دوستان را کجا کنی محروم ----- تو که با دشمنان نظر داری شاید این سخن به میان آید که انتقام از دشمنان خدا که یکی از ماموریت های آن حضرت است به چه معنی خواهد بود؟ بنابراین با کلامی پیرامون انتقام در زمان ظهور آن حضرت این نوشتار را به پایان می بریم تا مرهمی باشد بر دل دوستان و زخمی بر جگر دشمنان.

فصل سوم فرجام کار فرجام کفر و نفاق از ابتدای خلقت و از زمان فرزندان حضرت آدم (ع) شیطان و حزب او در اکثریت و خط انبیاء در اقلیت بوده است، بنابراین بدیهی است که جنایتکاران آنچه در توان داشته باشند در کوبیدن و نابود ساختن راه حق به کار زده و در طول تاریخ خونها ریخته و ظلمها نموده اند و همیشه صبر رویه مؤمنان بوده و هست و این تنها تاکتیک آنها در حفظ این خط سبز بوده که توانسته اند در طول تاریخ از همه جریانها با وجود تمام دشمنها و دشمنیها سرفراز بیرون آیند و به همین خاطر صبر انبیاء و اولیاء اسطوره تاریخ گردیده و بر تارک افتخارات انسانی می درخشد و همچون چراغی روشنی بخش کوره راههاست.

از آنجا که جزای محسنان و نیکوکاران در آخرت تدارک گردیده و این دنیا گنجایش ثواب آنها را ندارد عقوبت ظالمان نیز چنین است، اما خداوند وعده فرموده که در دنیا نیز قلبهای شکسته مؤمنان را شفا دهد و دلهای سوزانشان را مرهم نهد و از این روست که اعتقاد به منجی جهانی و مصلح کل در تمام ملل و ادیان دیده می شود و همگان بشارت ظهور مردی را می دهند که



زمین را تطهیر می کند و دوران سیاه و ننگبار ظالمان را خاتمه می بخشد، و این امید است که چون قنبدیلی در میان سینه مؤمنان آویزان و خیره به نورش ظلمت شب را پشت سرمی گذارند و با حرارتش سردی دستان ظلم و بیداد را تحمل می کنند، و آن هنگام که بزرگترین پیامبر الهی رسول اکرم (ص) بر بلندای منبر تبلیغ قدم نهاد و بزرگترین رسالت رسولان را ابلاغ فرمود و چشمان طمع خیز را به تیر یاس هدف گرفت و سرورش [فهذا علی مولا] سر داد، جانهای سوخته انتظار را روح دمید و دلهای مدهوش یار را بی قرار کرد و چشمان دوخته به راه را برق نگاه بخشید و حقانیت راه خود را به حق جویان چنین اثبات نمود که: الا ان خاتم الائمة منا القائم المهدي (ع)، الا انه ظاهر علی الدین کله، الا انه المنتقم من الظالمین .

((۶۷)) بدرستی که آخرین امام از ما مهدی قائم است، آگاه باشید او دین خدا را ظاهر می کند و از ظالمان انتقام می کشد. یعنی ای منتظران طول تاریخ و ای چشم براهان مصلح، آنکه را هزاران سال دیده به راهش دارید و آنکه کلمه توحید را ظاهر می کند و آنکه انتقام شما را می ستاند و آنکه پیغمبران مژده آمدنش را داده اند و شما بر راهش نشسته اید او آخرین پرچمدار نهضتی است که شما را به آن می خوانم و آخرین امامی است که علی (ع) اولین آنهاست .

آن حضرت با این بشارت نه تنها حقانیت راه خویش را بیان می کند بلکه منتظران جهان را به دامن اسلام می کشد و دلسوخته گان زمان را که چشم به راه منتقم می سوزند نوید نزدیکی ظهور می بخشد و فرا رسیدن روز انتقام را مژده می دهد و چنین می فرماید: الا انه قاتل کل قبيلة من اهل الشرك، الا انه مدرک بکل ثار من اولیاء الله .

((۶۸)) آگاه باشید که او تمام قبایل و گروه های شرک را خواهد کشت و انتقام خون دوستان خدا را خواهد گرفت . و البته از این سخنان می توان دریافت که آن حضرت شعله مرگ به جان که می افروزد و به شرار قهر که را می سوزدهمانگونه که در دعای ندبه نیز منتظرانش این چنین او رامی خوانند: این المعد لقطع دابر الظلمة ..

این المرتجی لازالة الجور والعدوان، این قاصم شوکة المعتدین، این هادم ابنیة الشرك والنفاق، این مبد اهل الفسوق والعصیان والطغیان، این حاصد فروع الغی والشقاق، این طامس آثار الزیغ والاهواء، این قاطع حبال الكذب والافتراء، این مبد اهل العتاة والمردة، این مستاصل اهل العناد والتضلیل والالحداد. ((۶۹)) کجاست آنکه آماده شده برای شکستن پشت ظالمان .

و کجاست آنکه امید است که جور و دشمنی را براندازد، و کجاست شکننده شوکت سرکشان، و کجاست ویرانگر کاخ شرک و دورویی، و کجاست آنکه ریشه اهل فسق و گناه و سرکشی رامی کند و شاخه های گمراهی و شقاوت را قطع می کند و آثار کجیها را از بین می برد و ریسمانهای دروغ و بهتان را قطع می کند و ریشه اهل طغیان و عناد و الحاد را از جای می کند. وجود مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا فداء با ظالمان و طاغیان سرسازش ندارند و اسباب گمراهی و ضلالت را نیز از بین می برند و بنیان دورویی و نفاق را خراب می سازند و هر کس که در برابر اقدامات مصلحانه اش بایستد هلاک می کند تا باز بین رفتن مفسدان جامعه بقیه مردم به صلاح و فلاح برسند.

حضرت امام محمد باقر (ع) می فرمایند: اذا قام المهدي سار الى الكوفة فيخرج منها بضعة عشر الف نفس يدعون البتريه، عليهم السلاح، فيقولون له: ارجع من حيث جئت ما لنا في بني فاطمة من حاجة، فيضع السيف فيهم حتى ياتي على آخرهم ثم يدخل الكوفة فيقتل فيها كل منافق مرتاب ويهدم قصورها ويقتل مقاتليها حتى يرضى الله عزوجل .

((۷۰)) آنگاه که قائم ما قیام می کند به سوی کوفه حرکت خواهد کرد پس از کوفه ده هزار نفر مسلح خارج می شوند که از فرقه بتریه هستند و به او می گویند: از همان جا که آمده ای باز گرد که ما را به فرزندان فاطمه حاجتی نیست، در این هنگام شمشیر بر آنها می کشد تا آنکه تمام آنها را هلاک می سازد سپس داخل کوفه می گردد و هر منافق مرتابی را می کشد و کاخهای آنها را خراب می سازد و هر که با آن حضرت بجنگد هلاک خواهد فرمود تا آنکه خداوند عزوجل خشنود گردد.

و از این روایت و نظائر آن مخالفان حضرتش به خوبی شناسائی می‌شوند که عمده منافقانی هستند که تظاهر به اسلام کرده اما در باطن با حقیقت اسلام مخالفند و بلکه خودصاحب ادعا بوده و حاجتی نیز به آن حضرت نمی‌بینند.

انتقام خون شهیدان همان طور که اشاره کردیم یکی دیگر از هدفهای آن حضرت گرفتن انتقام خون اولیاء خداست که در خطبه غدیر از پیامبر اکرم (ص) نقل شد که حضرت فرمودند: الا انه مدرک بکل ثار من اولیاء الله .

آگاه باشید مهدی خون تمام دوستان خدا را که انتقام گرفته نشده است تقاص می‌کند.

و باز در فقره ای از دعای ندبه او را چنین یاد می‌کنیم: این الطالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء, این الطالب بدم المقتول بکربلاء.

((۷۱)) کجاست آنکه خون انبیاء و فرزندان انبیاء را انتقام می‌گیرد, کجاست آنکه خون کشته در کربلا را انتقام می‌کشد.

و روایات زیادی از ائمه هدی (ع) به ما رسیده است مبنی بر انتقام کشیدن آن حضرت از قاتلان جدش ابا عبدالله (ع) و

هرآنکه به عمل آنها راضی است و اینجا به قسمتی از زیارت عاشورای ابا عبدالله الحسین (ع) اشاره می‌کنیم که می‌فرماید: فاسئل الله .

..

ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله .

((۷۲)) پس می‌خواهم از خداوند .

..

اینکه روزی من گردانده خونخواهی تو را در حالی که همراه امام یاری شده از آل محمد (ص) باشم .

و حضرت امام صادق (ع) در ذیل آیه شریفه (ومن قتل مظلوما فقد جعلنا لولیه سلطانا فلا یسرف فی القتل). ((۷۳)) و هر کس که

کشته شود ما برای ولی او سلطنت قرار دادیم پس اسراف و زیاده روی در قتل نیست .

می‌فرمایند: ذلک قائم آل محمد (ص), یرخرج فیقتل بدم الحسین بن علی (ع) فلو قتل اهل الارض لم یکن مسرفا.

ثم قال: یقتل والله ذراری قتلہ الحسین (ع) بفعال آبائها. ((۷۴)) این آیه برای قائم آل محمد است که چون خارج شود به

خونخواهی حسین بن علی (ع) برمی‌خیزد پس اگر تمام اهل زمین را بکشد زیاده روی نکرده است .

سپس فرمود: بخدا سوگند, فرزندان قاتلان حسین (ع) را خواهد کشت به خاطر عمل پدرهایشان .

و در بعضی روایات راز کشته شدن فرزندان به خاطر عملکرد پدران را رضایت آنان بر چنین جنایت بزرگی عنوان فرموده اند.

حضرت امام رضا علیه آلاف التحیه والثناء می‌فرمایند: .

..

ذراری قتلہ الحسین (ع) یرضون بفعال آبائهم ویفتخرون بها ومن رضی شیئا کان کمن اتاه, ولو ان رجلا قتل بالمشرق فرضی

بقتله رجل فی المغرب لکان الراضی عند الله عزوجل شریک القاتل وانما یقتلهم القائم (ع) اذا خرج لرضاهم بفعال آبائهم .

((۷۵)).

..

فرزندان قاتلین امام حسین (ع) از کرده پدران خود خشنودند و به آن افتخار می‌کنند و هر کس به چیزی راضی شود مانند کسی

است که آن را انجام داده است و از این جهت اگر مردی در مشرق زمین کشته شود و در مغرب زمین دیگری بر آن قتل راضی

باشد نزد خداوند شریک قاتل است و حضرت قائم (ع) فرزندان آنها را هنگام ظهورش می‌کشد به خاطر رضایتشان از عملکرد

پدران .

در آن زمان بسیاری از افراد به گناهی عقوبت می‌شوند که هرگز آن را انجام نداده اند و صرفا به خاطر رضایت بر آن عمل و یا

افتخار به عامل آن جنایت و مؤاخذه خواهند شد.

دزدان خدا و نیز یکی دیگر از حرکت‌های زیبای امام عصر ارواحنا فداه در قیام مصلحانه اش معرفی و رسوا نمودن خائنان به بیت المال و اجراء حد بر آنهاست که این نیز نقطه عطفی در این حرکت الهی است .

آن حضرت افرادی را که با چهره تقدس اموال فقرا و مساکین و سائر شئون مردم را چپاول می کنند معرفی و رسوا نموده و حد بر آنها جاری می سازد، نمونه ای از این برخورد را حضرت امام صادق (ع) بیان می فرمایند: اما ان قائمنا (ع) لو قد قام لآخذ بنی شیبه و قطع ایدیهم و طاف بهم و قال : هؤلاء سراق الله .

((۷۶)) آگاه باشید هر گاه قائم ما قیام کند بنی شیبه رادستگیر کرده و دستان آنها را قطع می کند و آنان را در بین مردم گردانده و می فرماید: اینها دزدان خدا هستند.

این حرکت حضرت صرفاً برای اجراء حد بر یک دزد نیست و بلکه انگیزه دیگری نیز در آن به چشم می خورد و آن معرفی افرادی است که در طول تاریخ اسلام و بلکه قبل از آن به عنوان کلیدداری و خدمت به کعبه و خانه خدا هدایا و نذورات و موقوفات کعبه و بلکه اموال زائران خانه خدا را باعناوینی به ظاهر خوب جمع نموده و صرف خواسته های خود می کنند و از این جهت امام (ع) نیز آنان را با عنوان دزدان خدا معرفی می فرماید.

سرانجام ناصیبان و باز از مهمترین و قاطعانه ترین اقدامات حضرت بقیه الله ارواحنا فداه برخورد شدید با دشمنان ولایت است بلکه در این موارد می توان سختترین عملکردها و شدیدترین واکنشها را در حکومت جهانی آن حضرت مشاهده نمود، آن امامی که در تمام موارد رفتش بیشتر جلوه می کرد و رحمتش بر غضبش سبقت می جست گوئی اینان آن قدر بی ارزشند که حتی در معنای شیء بودن نیز نمی گنجد تا [وسعت رحمته کل شیء] آنان را دربرگیرد و چنان دست بر قبضه شمشیر می کند که گوئی قهر الهی به جوش آمده و هیچ چیز را یارای مقابله اش نیست و او در این باب هیچ عذری را نمی پذیرد و هیچ بهانه ای را قبول نمی کند مگر آنکه از جرگه دشمنان خارج شوند و به زمره دوستان درآیند.

حضرت امام محمد باقر (ع) می فرمایند: اذا قام القائم عرض الایمان علی کل ناصب , فان دخل فیه بحقیقه والا ضرب عنقه او یؤدی الجزیه کما یؤدیها الیوم اهل الذمه و یشد علی وسطه الهمیان و یخرجهم من الامصار الی السواد. ((۷۷)) آنگاه که قائم (ع) قیام می نماید ایمان را بر ناصیبان عرضه می کند پس اگر حقیقتاً ایمان در قلبهایشان داخل شد - که خوب - و الا گردن آنها را خواهد زد یا آنکه جریمه سالیانه بر آنها می بندد همانگونه که الان غیر مسلمانها می پردازند و بر کمرش همیان می بندد و از شهرها او را به سوی بیابانها اخراج می نماید.

حکومت امام زمان ارواحنا فداه حکومت ولایت است و غیر اهل ولاء در آن حکومت محل و منزلتی ندارد و از این حدیث نیز این نکته به خوبی روشن می شود که آن حضرت بر ناصیبان که دشمنی و عداوت با اهل بیت و شیعیانشان را جزء ضروری ترین احکام دین می دانند و نعوذ بالله به ائمه هدی (ع) اهانت و جسارت می کنند، ایمان حقیقی را عرضه می دارد که منظور از ایمان در لسان ائمه معصومین (ع) همان اسلام کامل است که در غدیر خم و بلکه از ابتدای رسالت پیامبر اکرم (ص) آن را تبلیغ فرمود و بعد از جریان غدیر خم و معرفی امیرمؤمنان و ائمه هدی (ع) خداوند این آیه شریفه را نازل فرمود: (الیوم اء کملت لکم دینکم و اءتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً). ((۷۸)) امروز (روز غدیر خم) دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و از اسلام به عنوان دین شماراضی شدم .

اما با این وجود روایتی از حضرت امام صادق (ع) رسیده است که به عرضه ولایت توسط امام زمان ارواحنا فداه تصریح می فرماید و آن در ذیل این آیه شریفه وارد شده است: (و عباد الرحمن الذین یمشون علی الارض هونا - الی قوله تعالی - حسن مستقرا و مقاما). ((۷۹)) عباد الرحمن آن کسانی هستند که بر روی زمین سرفراکنده راه می روند - تا آنجای کلام الهی - نیکو جایگاه و

مقامی است آنجا.

حضرت امام صادق فرمودند: هم الاوصیاء یمشون علی الارض هونا فاذا قام القائم (ع) عرضوا کل ناصب علیه ، فان اقر بالاسلام وهی الولاية والا ضربت عنقه او اقر بالجزیه فاداهاکما یؤدی اهل الذمه .

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

